



A Review of *Alchemist* Book based on Maslow's theory of self-fulfillment

Somayeh Gholami¹

1. Assistant Professor of Psychology, Larestan Higher Education Assembly, Larestan, Iran.
Email: somayeg@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 26/12/2020

Received in revised form:
30/08/2021

Accepted: 06/09/2021

Keywords:

Humanism,
Self-actualization,
Self-Fulfillment,
Hierarchy of Needs,
Maslow,
Alchemist.

ABSTRACT

The present study analyzes the story of *the Alchemist Story* by Paulo Coelho based on Maslow's theory. The purpose of this article is to achieve a deep understanding of the main character of Santiago's story by analyzing the comparative content and matching the text of the story with Maslow's chain of needs; how Santiago fulfilled Maslow's Hierarchy of Human Needs starting with the journey to the treasure. Maslow's Hierarchy of Needs is divided into five categories: Physiology, Security, Love and Belonging, Self-Esteem and Self-Actualization. At the level of physical needs, Santiago could easily meet his needs. When he started his journey towards realizing his need for security, he faced major challenges, but he was able to overcome them with the power of faith. The need for love and self-esteem was satisfied enough to pave his way to self-realization. Spirituality helped him a lot in passing through the sufferings of the path of self-realization. The result of the comparative study of Santiago's personality with Maslow's needs showed that despite all the difficulties, Santiago was able to fulfill the needs from the lowest level to the highest level and achieve the only task of humans, which is to realize the personal legend. A detailed description of how to meet the needs is provided in the article.

Cite this article: Gholami, S. (2022). A Review of *Alchemist* Book based on Maslow's theory of self-fulfillment. *Research Journal in Narrative Literature*, 11(3), 169-184.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/RP.2021.6025.1290



بررسی کتاب کیمیاگر بر اساس نظریه خودشکوفایی مزلو

سمیه غلامی^۱

۱. استادیار روانشناسی مجتمع آموزش عالی لارستان، لارستان، ایران. رایانامه: somayeg@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر به تحلیل داستان کیمیاگر اثر پائولو کوئلیو بر اساس نظریه مزلو پرداخته است. هدف این نوشتار این است که با روش تحلیل محتوای قیاسی و تطابق متن داستان با سلسله نیازهای مزلو به شناختی عمیق از شخصیت اصلی داستان سانتیاگو دست یابد؛ اینکه چگونه سانتیاگو سلسله مراتب نیازهای انسان از دیدگاه مزلو را با شروع سفر تا رسیدن به گنج برآورده کرد. سلسله مراتب نیازهای مزلو در پنج طبقه نیازهای فیزیولوژی، امنیت، عشق و تعلق، عزت نفس و خودشکوفایی هستند. در سطح نیازهای جسمانی سانتیاگو به راحتی می توانست نیازهای خویش را رفع نماید. با شروع سفر به سمت تحقق خویش نیاز به امنیت وی با چالش هایی اساسی روبه رو شد؛ اما با قدرت ایمان توانست بر آنها غلبه کند. نیاز به عشق و عزت نفس به قدر کافی ارضاء گردید تا مسیر او را به سمت تحقق خویش هموار سازد. معنویت به او در گذر از رنج های مسیر خودشکوفایی کمک زیادی نمود. نتیجه بررسی تطبیقی شخصیت سانتیاگو با نیازهای مزلو نشان داد که سانتیاگو با وجود همه دشواری ها توانست از پایین ترین سطح نیازها تا عالی ترین سطح را برآورده سازد و به بگانه وظیفه آدمیان که تحقق بخشیدن به افسانه شخصی است دست یابد. شرح مبسوط چگونگی برآورده شدن نیازها در مقاله ارائه شده است.
واژه های کلیدی: انسان گرایی، خودشکوفایی، تحقق خویش، سلسله مراتب نیازها، مزلو، کیمیاگر.	

استناد: غلامی، سمیه (۱۴۰۱). بررسی کتاب کیمیاگر بر اساس نظریه خودشکوفایی مزلو. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۱(۳)، ۱۶۹-۱۸۴.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/RP.2021.6025.1290

۱. پیشگفتار

رمان کیمیاگر^۱ اثر مشهور و برجسته پائولو کوئیلو^۲ است که تاکنون به بیشتر از ۵۰ زبان ترجمه شده است. بیش از ۶۵ میلیون نسخه از کتاب کیمیاگر به فروش رفته است و یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان محسوب می‌شود. این رمان محبوبیت فراوانی نیز بین مردم ایران دارد و ترجمه‌های مختلفی از آن روانه بازار شده است. این رمان داستان زندگی سانتیاگو^۳ است. چوپانی که همه زندگی‌اش سفر کردن در کنار گوسفندانش است. او تا سن ۱۶ سالگی در صومعه آموزش می‌دید و پدر و مادرش علاقه داشتند تا او یک کشیش شود. سانتیاگو بر اساس خوابی که چندبار دیده است، فکر می‌کرد اگر به اهرام مصر سفر کند، گنجی پنهان پیدا خواهد کرد. پیرزنی به سانتیاگو گفته است که این خواب نبوی است و او باید دستورالعمل‌های آن را دنبال کند. پیرمردی به نام ملک سلیم نیز به سانتیاگو می‌گوید این خواب رؤیای شخصی توست و برای به‌دست آوردن رؤیایت باید تلاش کنی. بنابراین سانتیاگو با قایق به شمال آفریقا سفر کرد. بعد از ورود به آنجا، یک دزد تمام پول‌های سانتیاگو را دزدید. بنابراین پسر چوپان برای جمع‌آوری پول برای بازگشت به خانه خود، در مغازه یک تاجر کریستال کار پیدا کرد و مقدار قابل‌توجهی پول به‌دست آورد. بعد از یازده ماه کار در مغازه، دوباره شک و دودلی در مورد رؤیای شخصی‌اش در ذهنش تازه شد. سانتیاگو بعد از کلی تردید، درنهایت تصمیم می‌گیرد با کاروانی که قرار است به مصر بروند همراه شود و به مصر محلی که رؤیایش را در سر داشت برود. کاروان در مسیر به واحه می‌رسد و در آنجا سانتیاگو با یک دختر عرب به نام فاطمه آشنا می‌شود و بلافاصله عاشق او می‌شود. بالاخره پس از گذراندن سختی‌های بسیار سانتیاگو به اهرام مصر می‌رسد و شروع به حفاری می‌کند. او چیزی را در خاک مدفون نیافت. همزمان تعدادی سارق به سانتیاگو حمله می‌کنند و با ضرب و شتم او پولش را می‌دزدند. سانتیاگو خواب خود را به آنها می‌گوید، سپس یکی از سارقان خواب خود را درباره گنجی دفن‌شده در زیر یک درخت در یک کلیسای متروکه بازگو می‌کند. با بازگشت به اندلس، سانتیاگو به کلیسایی برمی‌گردد که در آنجا خواب گنج نزدیک اهرام را دیده است. او در جایی که خوابیده، زیر درخت چنار، حفاری می‌کند و سانتیاگو گنجش را می‌یابد. سفر به اهرام، گذار از صحراهای مصر، ملاقات با کیمیاگر و درنهایت

1. Alchemist

2. Paulo Coelho

3. Santiago

رسیدن به گنج به او چیزهای زیادی درباره روح جهان، زندگی، عشق و استقامت می آموزد. سفر او منجر به یافتن عشق حقیقی؛ یعنی فاطمه می شود. دختری که با ایمان منتظر بازگشت سانتیاگو از مسیر هدفش می ماند.

شخصیت اصلی داستان در مسیر تحقق خویش که عالی ترین سطح نیاز است، نیازهای سطح پائین تری دارد که باید تحقق یابد. بنابراین رفتارهایی که در سرتاسر داستان از سانتیاگو سر می زند برای تحقق نیازهاست تا فرایند خودشکوفایی^۱ تحقق یابد. درواقع سانتیاگو هرم مزلو^۲ را طی می نماید. «هرم مزلو یا همان هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو یک تئوری انگیزشی^۳ پنج لایه در روان شناسی است. مزلو که به عنوان پدر روان شناسی انسان گرا شناخته می شود، به دنبال یافتن آن چیزی است که موجب ایجاد انگیزه در رفتار انسان می شود» (رایکمن، ۱۳۹۶: ۴۴۶).

به گفته آبراهام مزلو، دستیابی به خود واقعی؛ استفاده کامل از مهارت ها، توانایی ها و پتانسیل های فرد است. کوئلیو مانند مزلو بر توانایی های درونی شخصیت های خود تمرکز می کند. شخصیت ها ترجیح می دهند خود را از یک سطح وجودی به سطح دیگری تکامل دهند؛ زیرا دارای کنجکاوی، اهداف، غرایز و آگاهی طولانی مدت هستند؛ حتی اگر در سفر با موانعی محدود می شوند و مسیر دستیابی به خودشان، موانع زیادی را شامل می شود؛ اما آنها موانع را فرصت هایی برای تجدید سفر به سوی شادی و رضایت می دانند.

مزلو معتقد است تلاش برای دریافت پاداش و یا تمایلات ناخودآگاه، ازجمله مواردی است که می تواند موجب ایجاد انگیزه در فرد شود. انسان ها برای رسیدن به نیازها و اهداف مشخصی تلاش می کنند و در این میان برخی از نیازها بر برخی دیگر اولویت دارند. نیازهای بنیادی و اصلی بیشتر افراد، تلاش برای بقاست و این اولین چیزی است که موجب حرکت و ایجاد انگیزه برای انجام کارها می شود. وقتی نیازهای این سطح تأمین شد، با سطح دیگری از نیازها مواجه می شویم که محرک فرد برای انجام کارها و رسیدن به اهداف بالاتر است و این روند همچنان ادامه دارد. درواقع با برطرف شدن هر یک از نیازها با سطح جدیدی از انتظارات مواجه می شویم که عامل حرکت و انگیزه در ما می شود.

1. Self-actualization

2. Maslow

3. Motivational theory

در این مدل پنج مرحله‌ای، چهار سطح ابتدایی هرم، اغلب به نیازهای ناشی از کمبود^۱ اشاره می‌کند و سطوح بالا تحت عنوان نیازهای رشد^۲ شناخته می‌شوند. نیازهای کمبود یا کاستی تا زمانی در فرد انگیزه ایجاد می‌کنند که برآورده نشده باشد. باید به یاد داشته باشیم که عدم تأمین این نیازها موجب قوی‌تر شدن حس نیاز به آن می‌شود. برای مثال، هرچه فرد مدت زمان بیشتری بدون غذا باشد، حس گرسنگی و تمایل برای دریافت غذا در فرد بیشتر می‌شود.

قبل از رسیدن به مراحل بالایی نیازهای رشد، باید از تأمین نیازهای مربوط به سطوح پایینی اطمینان حاصل کرد. درواقع، وقتی نیازی از بین می‌رود که کاملاً برطرف شده باشد. با تأمین نیازهای هر یک از سطوح، شاهد تغییر اولویت‌ها و حرکت به سمت لایه‌های بالایی هرم مزلو هستیم. البته برخلاف نیازهای کاستی، نیازهای رشد ممکن است هیچ‌گاه به‌طور کامل از بین نروند، بلکه روزه‌روز تقویت شوند یا حتی شکل متفاوتی به خود بگیرند. رسیدن منطقی به این سطح از نیازها، امکان حرکت به سمت نیازهای خودشکوفایی را در فرد میسر می‌کند.

هر فردی توانایی و تمایل برای رسیدن به سطوح بالاتر هرم مزلو را که شامل نیازهای خودشکوفایی است، در خود می‌بیند. متأسفانه به دلیل شکست و عدم موفقیت در برآورده شدن نیازهای سطوح پایین‌تر، گاهی رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شود. تجربیات زندگی شامل طلاق یا از دست دادن شغل موجب ایجاد نوسان و اختلال در دسترسی به هر یک از سطوح هرم مزلو می‌گردد، بنابراین همه در یک مسیر تک بعدی و خطی حرکت نمی‌کنند، بلکه ممکن است در یک حرکت نوسانی و بین سطوح مختلف انواع نیازها در حرکت و نوسان باشند.

مزلو معتقد است:

«تنها یک درصد افراد به مرحله خودشکوفایی می‌رسند؛ زیرا نیازهای احترامی که بر پایه اعتبار، علاقه و دیگر نیازهای اجتماعی است، قبل از مرحله خودشکوفایی قرار دارد و تا این نیازها تأمین نشود، دست یافتن به مرحله بعد امکان‌پذیر نیست» (مزلو، ۱۹۷۰: ۲۹۰).

۱-۱. تعریف موضوع

نظریه مزلو از لحاظ سلسله مراتب نیاز در هدایت رفتارهای انسان‌ها با ژانرهای ادبی قابل تطابق است به گونه‌ای که با واکاوی شخصیت‌های رمان‌ها می‌توان نقش نیاز در سیر تحول شخصیت را بررسی

1. Deficiency needs

2. Growth needs

نمود. در این مقاله به تحلیل رمان کیمیاگر بر اساس نظریه مزلو پرداخته شده است.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف تحقیق

نظریه رشد شخصیت و انگیزش مزلو در میان نظریات انسان‌گرایانه در ایران محبوب و پذیرفته شده است.

پژوهش‌هایی در مورد سیر تحول شخصیت‌های داستان مطابق نظریه مزلو انجام شده است. از جمله رضایی (۱۳۹۳) که داستان درد دل‌های ملا قربانعلی جمال‌زاده را مطابق نظریه مزلو تحلیل کرده است. ملا قربانعلی در سطح نیاز جنسی و دوست داشتن باقی می‌ماند و سر از زندان درمی‌آورد و رشد و تحولی در شخصیتش رخ نمی‌دهد. پژوهش انجام گرفته دیگر، تحلیل شخصیت‌های اصلی در رمان کاندید اثر ولتر بر مبنای نظریه آبراهام مزلو است. شخصیت‌های این داستان نیز به خاطر مشکلات اقتصادی و فساد جامعه نتوانسته‌اند خوب از عهده خودشکوفایی برآیند و دچار انزوا و درون‌گرایی شده‌اند (ادهمی صیادمحله، ۱۳۹۸).

داودنیا، سراج خرمی و جولازاده اسمعیلی (۱۳۹۳) به نقد شخصیت کیخسرو بر اساس نظریه آبراهام مزلو پرداخته‌اند. این نقد به‌خوبی سیر گذر از مراحل نیازهای مزلو توسط کیخسرو و رسیدن به مرحله خودشکوفایی را بیان می‌کند؛ اما نکته متفاوت با قهرمان داستان کیمیاگر، ساتی‌گو، در این است که نیازهای کیخسرو به دلیل قرارداد داشتن در طبقه مرفه، از طریق اطرافیان برآورده می‌شود و خود قهرمان داستان در گذر از مراحل حالت انفعالی دارد؛ اما در داستان کیمیاگر یک فرد عادی و با شغل چوپانی، با انگیزه خودش، سیر تحول شخصیت و رسیدن به انسان کامل را طی کرده است که تا کنون از این زوایه بدان پرداخته نشده است. با توجه به اهمیت رشد شخصیت، بازتاب این رشد در یک داستان به‌صورت روان و قابل فهم می‌تواند برای تحول شخصیت و جستجوی اهداف، انگیزه‌بخش باشد.

نبی‌لو و آصف (۱۳۹۳)، به بررسی سلسله مراتب نیازهای مزلو در گلستان سعدی پرداخته‌اند. این محققان به این نتیجه رسیده‌اند که سعدی هم در مقام یک معلم اخلاق انسان‌گرا، با مزلو در زمینه پرداختن به نیازهای اساسی بشر اشتراکات زیادی دارد. در این مقاله علاوه بر ترسیم نقاط اشتراک و افتراق تئوری‌های آن‌ها در پرداختن به نیازهای اساسی بشر، اهمیت این نیازها با تکیه بر گلستان و هرم نیازهای اساسی مزلو تبیین شده است. سعدی در بیشتر کلیات و حتی جزئیات و میزان اهمیت دادن به نیازهای اساسی با مزلو هم‌عقیده است. جز آنکه در تفکر سعدی، یک تفاوت بنیادی در نیازهای

اساسی چهارگانه مشاهده می‌شود. این نیاز مقدر را تحت عنوان قابلیت، به قاعده هرم نیازهای اساسی سعدی نام برده‌اند.

مهدوی دامغانی و صادقی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «انسان خودشکופا و خودشکوفایی سعدی با رویکرد تطبیقی» به نظریه مزلو پرداخته‌اند. در این مقاله آورده شده است که از نظر مزلو افراد خودشکופا بیشتر مسأله‌مداران تا خودمدار و برای خود، رسالتی قائل هستند و کارهای غیرشخصی و غیرخودپسندانه انجام می‌دهند. سعدی نیز در بسیاری از اشعارش این ویژگی را برای افراد خردمند بر می‌شمارد.

در پژوهش حاضر چگونگی حرکت، در مسیر رشد شخصیت، تحلیل شده است که برای افرادی که تمایل به رشد شخصیت و رسیدن به خودشکوفایی دارند، مفید و ثمربخش است.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- نیازهای انسان در نظریه مزلو چیست؟
- سیر انسان در رسیدن به خودشکوفایی چگونه است؟
- تلاش‌های سانتیاگو در جهت تحقق خویشتن چگونه با تئوری سلسله مراتب نیاز مزلو تطبیق می‌یابد؟

۱-۴. روش پژوهش و چارچوب نظری

این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش مراحل تحقق خویشتن شخصیت اصلی داستان، سانتیاگو، بر اساس تئوری سلسله مراتب نیازهای مزلو با دقت بررسی، طبقه‌بندی و تحلیل شده و خط سیر تکامل شخصیت تا رسیدن به هدف ترسیم شده است.

در ابتدا خلاصه‌ای از نظریه مزلو ارائه می‌شود. به اعتقاد مزلو نیازهای آدمی از یک سلسله مراتب برخوردارند که رفتار افراد در لحظات خاص تحت تأثیر شدیدترین نیاز قرار می‌گیرد. هنگامی که ارضای نیازها آغاز می‌شود، تغییری که در انگیزش فرد رخ خواهد داد بدین گونه است که به جای نیازهای قبل، سطح دیگری از نیاز، اهمیت یافته و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله مراتب نیازها اوج گرفته و پس از ارضاء، فروکش کرده و نوبت به دیگری می‌سپارند. در این نظریه، نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار داده شده است که به ترتیب عبارت‌اند از:

نیازهای زیستی: نیازهای زیستی در اولین سلسله مراتب نیازها قرار دارند و تا زمانی که قدری

ارضاء گردند، بیشترین تأثیر را بر رفتار فرد دارند. نیازهای زیستی، نیازهای آدمی برای حیات خود

شامل خوراک، پوشاک، غریزه جنسی و مسکن است. تا زمانی که نیازهای اساسی برای فعالیت‌های بدن به حد کافی ارضاء نشده‌اند، عمده فعالیت‌های شخص احتمالاً در این سطح بوده، بقیه نیازها انگیزش کمی ایجاد خواهند کرد.

نیازهای امنیتی: نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی است؛ به عبارت دیگر نیاز به حفاظت از خود در زمان حال و آینده را شامل می‌شود.

نیازهای اجتماعی: یا احساس تعلق و محبت؛ انسان موجودی اجتماعی است و هنگامی که نیازهای اجتماعی اوج می‌گیرد، آدمی برای روابط معنی‌دار با دیگران، سخت می‌کوشد.

احترام: این احترام قبل از هر چیز نسبت به خود است و سپس قدر و منزلتی که توسط دیگران برای فرد حاصل می‌شود. اگر آدمیان نتوانند نیاز خود به احترام را از طریق رفتار سازنده برآورند، در این حالت ممکن است فرد برای ارضای نیاز جلب توجه و مطرح شدن، به رفتار خرابکارانه یا نسنجیده متوسل شود.

خودشکوفایی: یعنی شکوفاکردن تمامی استعدادهای پنهان آدمی؛ حال این استعدادها هرچه می‌خواهد باشد. همان‌طور که مزلو بیان می‌دارد: «آنچه انسان می‌تواند باشد، باید بشود» (رایکمن، ۱۳۹۶: ۴۴۷).

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. سیر تحقق خویشتن سانتیاگو بر پایه سلسله مراتب نیازهای مزلو

۲-۱-۱. سطح اول: نیازهای زیستی و فیزیولوژیک

«نیازهای زیستی در اوج سلسله مراتب قرار دارند و بیشترین سطح از هرم را پوشش می‌دهند و تا زمانی که قدری ارضاء گردند، بیشترین اثر را بر رفتار فرد دارند. نیازهای زیستی نیازهای آدمی برای حیات خودند؛ یعنی: خوراک، پوشاک، مسکن و رابطه جنسی. تا زمانی که نیازهای اساسی برای فعالیت‌های بدن به حد کافی ارضاء نشده‌اند، عمده فعالیت‌های شخص احتمالاً در این سطح بوده، بقیه نیازها انگیزش کمی ایجاد خواهند کرد» (مزلو، ۱۹۷۰: ۱۰۲).

سانتیاگو در مسیر تحقق خویشتن در مرحله اول با پولی که پدر تأمین کرد؛ توانست تعدادی گوسفند بخرد و سفر خود را شروع کند. وقتی کل پول خود را در دزدی از دست داد، برای تأمین این

نیاز مجبور شد در بلورفروشی کار کند و از این راه تأمین نیاز کند. سانتیاگو به مرد بلورفروش پیشنهاد داد که جام‌های او را تمیز کند و در عوض مرد بلورفروش به او غذا بدهد. او یکسال پیش مرد بلورفروش کار کرد تا بتواند پول لازم برای اهداف خود را جمع‌آوری کند.

۲-۱-۲. سطح دوم: نیازهای ایمنی

«هرچه به سمت سطح دوم هرم مزلو پیش برویم، نیازها کمی پیچیده‌تر می‌شوند. در این سطح، نیازهای امنیت و ایمنی به نیازهای اصلی و اولیه تبدیل می‌شوند. مردم خواهان کنترل و نظم در زندگی خود هستند، بنابراین این نیاز به ایمنی و امنیت تا حد زیادی به رفتارهای این سطح کمک می‌کند. برخی از نیازهای اساسی امنیت و ایمنی شامل امنیت مالی، رفاه و سلامت و ایمنی در برابر تصادفات و جراحات است. دیگر مصادیق این نیاز پیدا کردن شغل، داشتن بیمه درمانی و مراقبت‌های بهداشتی، سپرده‌گذاری در حساب پس‌انداز و نقل مکان کردن به یک محله امن‌تر، همگی نمونه‌هایی از اقداماتی هستند که با انگیزه ایمنی و امنیت انجام می‌شوند» (شولتز، ۱۳۸۹: ۳۴۸).

«احساس امنیت برای سالم‌بودن جسمی و روانی انسان لازم و ضروری است، احساس عدم امنیت دائم، شخص را در حال بسیج قوا و به هم ریختگی سوخت‌وساز بدن قرار می‌دهد و اگر ادامه یابد موجود را به سوی بیماری‌های جسمی و روانی سوق خواهد داد؛ زیرا ساختمان بدن انسان قدرت تحمل تنش دائمی را ندارد. ایمنی، ارضای نیازهای بالاتر را امکان‌پذیر می‌سازد و شخص را به ظاهرشدن و فراگیری مهارت‌ها و تسلط بر می‌انگیزد، وقتی ایمنی آدمی در معرض خطر واقع گردد، شخص به ارکان اساسی‌تری بازگشت می‌نماید و این بدان معنا است که در انتخاب ایمنی و رشد، ایمنی غالب است و لذا نیاز به آن بر نیاز به رشد، غلبه می‌کند» (شولتز، ۱۳۸۹: ۳۴۸).

در قسمت ملاقات سانتیاگو با پادشاه سالیم می‌خوانیم که سالیم به ذرت‌فروش اشاره می‌کند و می‌گوید که او هم همواره آرزوی سفر داشته است؛ اما ترجیح داده که یک چرخ‌دستی ذرت بو داده بخرد. مرد جوان می‌گوید او باید چوپان می‌شد تا رؤیای سفر را محقق کند، پادشاه به او گفت که ذرت‌فروش از چوپان معتبرتر هست. چون چوپان در فضای باز می‌خوابد؛ اما ذرت‌فروش خانه دارد و مردم ترجیح می‌دهند دخترشان را به ذرت‌فروش بدهند. درواقع در سرتاسر این داستان کاملاً چگونگی غلبه نیاز ایمنی بر نیاز رشد نشان داده شده است.

«جوان در چشم‌های پدرش میل به گشتن به گرد جهان را دید. میلی که هنوز زناده بود،

هرچند ده‌ها سال کوشیده بود آن را در نیازش به آب، غذا و همان بیتوته‌گاه شبانه مدفون کند» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۲۶).

به خاطر تهدیدها و سختی‌های مسیر که نیاز به امنیت را تهدید می‌کند، افراد به دنبال تحقق خویشتن نمی‌روند. این تهدید و تردیدهای شخص برای ادامه مسیر در جمله زیر نشان داده شده است.

«چون تو سعی می‌کنی با افسانه شخصیت زندگی کنی و کم مانده‌است از آن چشم بپوشانی» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۴۱).

«وقتی در مسیر رسیدن به مصر تمام پول‌های او را دزدیدند. او گریست. گریست، چون خدا عادل نبود و به کسانی که به رؤیای خود باور داشتند، چنین پاداش می‌داد» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۵۵).

داشتن حامی که بتواند نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی و سایر نیازها را حمایت کند برای تحقق خویشتن بسیار ضرورت دارد. سانتیاگو در هر مرحله یک حامی داشت. پدرش در مرحله اول که قصد سفر داشت، به وی کیسه‌ای حاوی سه طلای اسپانیایی داد تا گلهٔ چوپانی را بخرد و برای او دعای خیر کرد. در مرحله بعد، پادشاه سالیم با راهنمایی و دادن انگیزه به جوان و دادن سنگ‌های تمیم و اوریم به سانتیاگو کمک کرد. بعد از دزدیده شدن پول مرد بلورفروش او را در مغازه جای داد و به او برای جمع کردن پول کمک کرد و در نهایت دعای خیر را طلب کرد. در مرحله نهایی آشنایی با کیمیاگر بود که راهنمای رسیدن به مصر شد.

در کل مسیر؛ جوان خودش با نجواها و خودگویی‌ها و تکرار جملاتی که از افراد حامی یاد گرفته بود، توانست بر موانع تهدید غلبه کند. مثلاً بعد از دزدیده شدن همه اموالش در بندر در صفحه ۵۷ می‌خوانیم:

«جوان وقتی همه چیز را از دست داده بود از سنگ‌های خود پرسید آیا دعای خیر پیرمرد همراهش هست؟ سنگ‌ها به او گفته بودند که پیرمرد هنوز با او هست و این به او اعتماد به نفس می‌بخشید و دیگر ناامیدی را در خود احساس نکرد» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۵۷).

«خدا با گوسفند حرف می‌زند چرا با او نزنند» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۵۲).

«حتی در جایی که کسی نبود او از قلبش خواست که ذهن او را آرام کند. درواقع نیاز به امنیت را خودش تحقق داد» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

۲-۱-۳. نیازهای سطح اجتماعی

«نیازهای اجتماعی در هرم مزلو شامل مواردی چون عشق، مقبولیت و تعلق خاطر است. در این سطح، احساس نیاز به روابط عاطفی، هدایت کننده‌ای برای رفتار انسان است. برخی از مواردی که این نیاز را برآورده می‌کند عبارت‌اند از دوستی، دلبستگی‌های عاشقانه، خانواده، گروه‌های اجتماعی، گروه‌های جامعه و کلیساها و سازمان‌های مذهبی» (گیل، ۲۰۱۵: ۲۹۵).

برای جلوگیری از بروز مشکلاتی از قبیل تنهایی، افسردگی و اضطراب، مهم است که افراد احساس دوست داشته شدن و مقبولیت نزد دیگران را تجربه کنند. همان‌طور که شرکت در گروه‌های مختلف مثل گروه‌های مذهبی، تیم‌های ورزشی، کلوپ کتاب و سایر فعالیت‌های گروهی اهمیت دارد، روابط شخصی با دوستان، خانواده و عشاق نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

سانتیاگو نیز به عنوان یک انسان همواره سعی در برآورده ساختن این سطح نیاز بود. ابتدا شبکه دوستانی در سفرهایش ایجاد کرده بود. در اوایل داستان نیز وقتی سانتیاگو تصمیم به ترک دلبستگی‌ها می‌کند، نگران از دست دادن دوستان شد؛ ولی خود را دلداری داد که دوستان جدیدی در جاهای جدید پیدا خواهد کرد.

«در آن حوالی افراد بسیاری را می‌شناخت و برای همین بود که سفر را دوست داشت. آدم همواره دوستان تازه‌ای می‌یافت» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۳۳).

در بُعد دوم نیاز به تعلق، صمیمت جنسی نیز یکی از ابعاد این سطح از نیاز است (گیل، ۲۰۱۵: ۲۹۵). نزدیک شدن جوان به دختر بازرگان اندلسی با موهای سیاه و انبوه و صحبت با او در مورد سفرها از این دست نیاز است.

«با گذشت زمان، پسر جوان کم‌کم آرزو می‌کرد که آن روز هرگز به پایان نرسد و پدر دختر تا مدت‌ها گرفتار بماند و از او بخواهد تا سه روز دیگر منتظر بماند. دریافت چیزی را احساس می‌کند که هرگز تجربه نکرده است: میل به آنکه برای همیشه در یک شهر بماند. با آن دختر مو سیاه، هیچ روزی به روزهای دیگر شبیه نمی‌بود» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۲۲).

همچنین علاقمندی سانتیاگو به فاطمه و درخواست ازدواج از او در طول سفر، این سطح از نیاز او را ارضاء نمود. جوان هر روز کنار چاه می‌رفت، منتظر فاطمه می‌ماند، از زندگی‌اش برایش می‌گفت و وقتی فاطمه به او قول داد که منتظر بازگشت او از سفر می‌شود، توانست با انگیزه بیشتری ادامه بدهد.

۲-۱-۴. سطح چهارم: عزت نفس

«نیاز به حرمت و ارج، آخرین نیاز اساسی است که نمایان می‌شود. محترم شمرده شدن قابلیت‌ها، استقلال و دستاوردها، پیشرفت‌های شخص و ارزیابی مثبت دیگران، یک دسته از نیازهای عزت نفس است و دسته دوم شامل تلاش انسان برای به رسمیت شناخته شدن از سوی دیگران، دست یافتن به یک پایگاه مطمئن، شهرت و عزیز شمرده شدن نمایان می‌شود» (مزلو، ۱۹۷۰: ۵۷).

سانتیاگو در فراز و نشیب رسیدن به رشد شخصی، این نیاز را به گونه‌های متعددی در نظر داشت. در دیدار با پادشاه، تحصیلات خود را به وی گفت تا ارزیابی مثبتی از خود ارائه دهد. همچنین سانتیاگو با خواندن نشانه‌ها در صحرا توانست واحه را نجات دهد و به مقام مشاوره واحه نائل شود و این نیاز را در خود برطرف سازد. در جایی نیز می‌خوانیم:

«سانتیاگو به خودش مغرور بود. چیزهای مهمی آموخته بود، مانند تجارت بلور، زبان بی‌کلام و نشانه‌ها را» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۷۱).

۲-۱-۵. سطح پنجم: فرا نیازها

«پس از ارضاء شدن کافی نیازهای اساسی، نیاز به خودشکوفایی و درک و فهم، آشکار می‌شود. مردم تمایل دارند پدیده‌هایی را که فراتر از نیازهای اساسی هستند بفهمند، بشناسند و ظرفیت‌های بالقوه خود را محقق سازند» (رایکمن، ۱۳۹۶: ۴۵۱).

خودشکوفایی، اصطلاحی در روانشناسی انسان‌گرایانه و به معنی «محقق ساختن حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد توسط خودش است». خودشکوفایی به این پدیده اشاره دارد که انسان‌ها تمایل دارند فراتر از نیازهای اولیه خود پیشرفت کنند. انسان‌ها می‌کوشند از طریق خودشکوفایی از امکانات به شیوه‌ای بهینه استفاده کنند و تمامی استعدادهای پنهان خود را شکوفا سازند. فرایند خودشکوفایی می‌تواند شکل‌های متعددی به خود بگیرد؛ ولی هرکسی صرف‌نظر از شغل و تمایلات می‌تواند توانایی‌های خود را به حداکثر برساند و به کامل‌ترین رشد شخصیت دست یابد (شولتر و شولتز، ۱۳۹۴: ۳۹۸).

افراد خودشکופا به تحقق بخشی استعداد خود و شناختن محیط اطرافشان می‌پردازند. آنها در حالت فرارنگیزش خود، به دنبال کاهش تنش، ارضاء کردن یک کمبود، یا تلاش برای هدف خاصی نیستند. هدف آنها غنی ساختن زندگی با افزایش دادن تنش برای تجربه نمودن انواع گوناگونی از اتفاقات چالش‌انگیز و تحریک‌کننده است. آنها به‌طور خودجوش، طبیعی و خوشحال انسانیت خود را ابراز

می کنند (همان: ۴۰۱).

سانتیاگو دو بار مسیر خودشکوفایی را طی کرد. بار اول زمانی بود که تصمیم گرفت چوپان شود. وقتی سانتیاگو به پدرش گفت می خواهم سرزمین های مختلف را بشناسم و بسیار سفر کنم. پدرش به او گفت که یا باید کیسه پر از پول داشته باشد یا چوپان باشد. پدر گفت که در میان ما تنها چوپان ها سفر می کنند و سانتیاگو بی درنگ گفت: «پس چوپان می شوم».

بار دوم نیز پس از دیدن رؤیای گنج، وی تصمیم گرفت که باوجود مشکلات به دنبال گنج برود. بر طبق نظریه مزلو، افراد خودشکופا از لحاظ انگیزش اساسی خود، با دیگران تفاوت دارند. مزلو نوع متفاوتی از انگیزش را برای افراد خودشکופا مطرح کرد که آن را فرا انگیزش نامید. در مسیر سفر سانتیاگو، وی چندین فرد خودشکופا را مشاهده نمود. با بررسی این افراد می توان ویژگی افراد خودشکופا را در این داستان برشمرد. علاقمندی به شغل بدون فرسودگی و خودانگیختگی ازجمله این ویژگی هاست. در صفحه ای از کتاب می خوانیم:

«سانتیاگو بی عجله به گردش در میدان شهر پرداخت. دست فروش ها بساطشان را می گسترند. به مرد شیرینی فروش در پهن کردن بساطش کمک کرد. مرد شیرینی فروش لبخند متفاوت بر چهره داشت: شاد بود؛ برای زیستن از خواب بیدار شده بود. آماده برای آغازکردن یک روز کاری خوب. لبخندی که به گونه ای یادآور لبخند پیرمرد بود. همان پیرمرد و پادشاه مرموزی که با او آشنا شده بود. فکر کرد: «این شیرینی فروش به خاطر شوقش به سفر و یا ازدواج با دختر یک بازرگان شیرینی نمی پزد. شیرینی می پزد چون این کار را دوست دارد» (کوئلیو، ۱۳۸۵: ۵۹).

درواقع شادمانی شیرینی فروش ناشی از خودشکوفایی او بود.

مزلو می گوید: «اگر عمداً بخواهید کمتر از آنچه باشید که قابلیت دارید، در این صورت به شما هشدار می دهم که بقیه عمر خود را ناکام خواهید بود» (مزلو، ۱۹۷۰: ۱۶۰).

هرچه یک نیاز در سلسله مراتب مزلو بالاتر باشد، ضعیف تر است. خودشکوفایی به عنوان بالاترین نیاز، کمترین قدرت را دارد. عقده یونس^۱ نیز دلیل دیگری برای ناکامی در خودشکوفایی است که به تردید ما نسبت به توانایی هایمان اشاره دارد. ما می ترسیم که اگر برای به حداکثر رساندن استعدادمان دست به کار شویم، موقعیت های تازه ای پیش خواهند آمد که ممکن است نتوانیم با آنها مقابله کنیم.

خودشکوفایی به جرئت نیاز دارد. خود شکوفا شدن به تلاش، نظم و کنترل کردن خویش نیاز دارد (گود^۱، ۱۹۹۴). تحقق خویشستن مسیری بسیار دشوار است و برای همین بیشتر افراد از آن صرف نظر

می کنند. در این مسیر سانتیاگو برای ادامه هدف بسیار دچار تردید شد. در صفحه ۸۴ می خوانیم:

«او با خود فکر کرد تصمیم ها تنها آغاز یک ماجرا هستند. هنگامی که آدمی تصمیم می گیرد،

در حقیقت به درون جریان نیرومندی پرتاب می شود که او را به مکانی خواهد برد که در

زمان تصمیم گیری خویش را هم نمی دیده است».

یا جای دیگر سانتیاگو با خود اندیشید:

«پادشاه او را ترغیب به تحقق آرزوی خویش کرده بود؛ اما نه از صحرای عظیم چیزی

گفته بود و نه از دزدها. پادشاه نگفته بود که اهرام مصر تنها کوهی از سنگ هستند» (کوئلیو،

۱۳۸۲: ۷۸).

وقتی سانتیاگو به پیرمرد بلورفروش پیشنهاد گسترش مغازه را داد او گفت:

«سی سال است که این مغازه را دارم. بلور خوب و بد را می شناسم و همه زیر و بم این

حرفه را می دانم. به حجم کار و میزان رفت و آمد مغازه عادت کرده ام. اگر بخواهی در لیوان

بلور جای بدهی، مغازه گسترش می یابد. آن وقت مجبورم شیوه زندگی ام را عوض کنم.

این خوب نیست؟

به زندگی عادت کرده ام» (کوئلیو، ۱۳۸۲: ۷۲).

درواقع، اگرچه کشف توانایی ها، انسان را خوشحال می کند؛ ولی ترس از مسئولیت، وظایف جدید

و ترس از ناشناخته ها را نیز به دنبال دارد. افراد خودشکوفا تمام نیازهای کمبود و محرومیت در چهار

سطح نخست سلسله مراتب نیازها را تا حد کافی ارضاء کرده اند. رفتار افراد خودشکوفا به عنوان نتیجه و

پیامد، به وسیله مجموعه جدیدی از نیازها که مزلو آن را «نیازهای بودن» یا انگیزش والا می نامد،

برانگیخته می شوند.

۳. نتیجه گیری

همانگونه که بیان شد، رمان کیمیاگر سیر تحول انسان از نیازهای مادی به نیازهای سطح بالاتر و

تحقق خویشستن را به تصویر می کشد. در مسیر کامل شدن خویشستن، سفر، اعم از معنوی و جسمی،

به عنوان یک استعاره بسیار قوی در رمان های کوئلیو عمل می کند. در رمان او، یک سفر روانشناختی

وجود دارد که در یک سفر فیزیکی منعکس می‌شود. کوئلیو با کشیدن قهرمان از طریق یک تجربه جسمی، تحول روانی؛ یعنی تحقق خود را تحریک می‌کند. کیمیاگر کوئلیو یک داستان الهام‌بخش از چوپانی از اندلس است که رؤیای سفر به دنیا را در جست‌وجوی گنجی دنیایی دارد. این رمان همچنین شامل مضامینی درباره گوش دادن به قلب فرد و پیروی از رؤیای خود است. همانطور که عنوان نشان می‌دهد، کیمیاگری موضوع اصلی است. با اینکه کیمیاگری یک مطالعه در مورد مادی‌سازی اشیاء از یک منبع انرژی جهانی است؛ اما هدف اصلی کیمیاگری تولید ثروت یا تبدیل سرب به طلا نیست، بلکه یک فرایند قوی برای تبدیل خود است.

مردم عادی قبل از شروع سفر منتظرند تا اوضاع درست شود؛ اما در کتاب کیمیاگر پسر خارق‌العاده، سانتیاگو، زندگی در پناه خانواده را رها کرد تا مسافر شود. او زندگی چوپانی را انتخاب کرد، فقط به این دلیل که می‌خواست دنیا را ببیند. پدرش می‌خواست با گفتن اینکه سفر مسئله پول و شجاعت است و کسانی که بدون پول سفر می‌کنند چوپانان هستند؛ او را قانع کند. سانتیاگو پاسخ داد که پس از آن او یک چوپان خواهد شد. وی با هدف دستیابی به افسانه‌های شخصی خود و پی بردن به سرنوشتی که در پیش دارد، از سرزمین مادری خود، اسپانیا سفر می‌کند. از طریق بازارهای طنجه به صحرای بزرگ مصر راه می‌یابد. در راه خود، او از مکان‌های جدید بازدید می‌کند، عشق را تجربه می‌کند، درس می‌آموزد، ضرر می‌کند و درآمد کسب می‌کند، زبان دیگری یاد می‌گیرد، با افراد مختلف ملاقات می‌کند، در جنبه‌های دلپذیر و ناخوشایند زندگی قرار می‌گیرد. سفر او پر از ماجراهاست، هرچه سفر پیش می‌رود، او با یک پادشاه، یک زن بیابانی و یک کیمیاگر آشنا می‌شود و هر کدام پیچ‌وخم‌های جدیدی به زندگی او اضافه می‌کنند.

کوئلیو تصویری بسیار پر جنب‌وجوش از صحرا ارائه می‌دهد که بزرگترین نماد جغرافیایی رمان است. مسافرت در سراسر صحرا مهم‌ترین قسمت سفر سانتیاگو است که نمادی از بخش پرمخاطره تلاش معنوی اوست. انسان وقتی به کمال می‌رسد که همه چیز در جهان تکامل یابد. سانتیاگو از طریق سفر کشف کرد که جهان روح دارد و هر کسی که روح را بشناسد می‌تواند زبان چیزها را نیز درک کند. کوئلیو کیمیاگری را به عنوان بالاترین راه تغییر شکل و نفوذ به روح جهان و کشف گنجینه‌ای که برای یک نفر ذخیره شده است، ارائه می‌دهد. در کل، کیمیاگر نه تنها وقایع‌نگاری از سفر فیزیکی، بلکه یک سفر درونی برای دستیابی به خود واقعی است (گیثا و تامبی، ۲۰۲۰: ۲).

این پژوهش نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از تئوری‌های انگیزشی و شخصیتی می‌توان به تحلیل و

تفسیر متون ادبی پرداخت و مفاهیم مکنون آنها را آشکار ساخت. پیشنهاد می‌شود که این رمان با سایر تئوری‌های انگیزشی نیز تحلیل گردد.

کتابنامه

- ادهمی صیادمحله، حدیثه؛ ادهمی صیادمحله، حمیده. (۱۳۹۸) «تحلیل شخصیت‌های اصلی در رمان کاندید اثر ولتر بر مبنای نظریه آبراهام مزلو» مجله جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۱۶۶، صص ۹۹-۱۱۴.
- داودنیا، نسرین؛ سراج خرمی، ناصر؛ جولازاده اسمعیلی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳) «نقد شخصیت کیخسرو بر اساس نظریه آبراهام مزلو». مجله ادبیات پهلوانی، شماره ۲۲۲، صص ۲۵-۴۶.
- رایکمن، ریچارد. (۱۳۹۶) نظریه‌های شخصیت، ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: ارسباران.
- رضایی، سمیه. (۱۳۹۳) «تحلیل شخصیت اصلی در داستان درد دل ملا قربانعلی از مجموعه یکی بود یکی نبود جمال‌زاده براساس نظریه مزلو». مجله مطالعات داستانی، شماره ۲، دوره ۱۷۳، صص ۳۵-۵۱.
- شولتز، دوآن؛ شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۸۹) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- کوئلیو، پائلیو. (۱۳۸۲) کیمیاگر، ترجمه آرش حجازی. تهران: نشر کاروان.
- مهدوی دامغانی، محمود؛ صادقی، علیرضا. (۱۳۹۷) «انسان خودشکوف و خودشکوفایی سعدی با رویکرد تطبیقی به نظریه مزلو». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۰، دوره ۴، صص ۱-۳۶.
- نبی‌لو، علیرضا؛ آصف، احمد. (۱۳۹۳) «بررسی سلسله مراتب نیازهای مزلو در گلستان سعدی». متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۲، صص ۴۳-۶۶.

References

- Adhami Sayad Mahaleh, Hadiseh and Hamideh Adhami Sayad Mahaleh. (2018), "Analysis of the Main Characters in Voltaire's Novel *The Candide* based on Abraham Maslow's theory", Journal of Comparative Literature, No. 166, pp. 99-114. [In Persian]
- Davoodenia, Nasrin; Seraj Khorami, Nasser and Jolazadeh Esmaili, Ali Akbar (2013), "Criticism of Key- Khosrow's Personality based on Abraham Maslow's Theory", *Pahlavi Literature Magazine*, number 222, pp. 25-46. [In Persian]

Raikman, Richard (2016), *Theories of Personality*, translated by Mehrdad Firouzbakht, Tehran: Arasbaran.

Rezaei, Somayeh (2013), "Analysis of the Main Character in the Story of *Mola Qorban Ali's Putting Heart on his Sleeve* from Jamalzadeh's *Collection Yekee Bod Yekee Nabooodeh*, based on Maslow's theory", *Journal of Fictional Studies*, No. 2, Volume 173, pp. 35-51.[In Persian]

Shultz, Duane and Shultz, Sidney Allen (2009), *Personality Theories*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Publishing House.

Coelho, Paulo .(1382), *The Alchemist*, translated by Arash Hejazi, Tehran: Karevan Nashr.

Mahdavi Damghani, Mahmoud and, Alireza Sadeghi (2017), "Self-fulfilling Man and Saadi's Self-fulfillment with a Comparative Approach to Maslow's Theory", *Journal of Educational Literature*, No. 10, Volume 4, pp. 1-36.[In Persian]

Nabiloo, Alireza and Asef, Ahmad (2013), "Investigation of Maslow's Hierarchy of Needs in Golestan Saadi", *Textology of Persian Literature*, No. 2, pp. 43-66.[In Persian]